

آل مسافر

آل مسافر یا آل سلار، دودمانی از امرای محلی در ناحیه غرب البرز و آذربایجان و اران و ارمنستان بودند. محمد بن مسافرنخستین چهره این خاندان، به احتمال در اواخر سده سوم هجری بر دژ شمیران در طارم دست یافت؛ وی فرمانروایی دوستدار آبادی، اما تندخو و ستمکار بود. در سال ۳۳۰، دو پسر محمد به نام «وهسودان» و «مرزبان» با همدستی مادرشان «خراسویه» بر پدر فائق آمده او را به بند کشیدند؛ از این زمان به بعد خاندان آل مسافر به دو شعبه تقسیم شد. وهسودان در طارم باقی ماند و برادرش مرزبان قدرت خود را به سمت شمال غرب به آذربایجان، اران و بعضی از نواحی شرقی ارمنستان تا کرانه بحر خزر گسترش داد و از مقر خود «اردبیل»، بر این مناطق حکمرانی نمود. در سال ۳۳۳ روس ها به ماورای قفقاز تهاجم نمودند که مرزبان با کمک داوطلبان مسلمان، بعد از نبردها و شکست هایی توانست آن ها را در سال ۳۳۴ از آن منطقه خارج نماید. وی در سال ۳۳۵ سپاهیان ناصر الدوله حسن حمدانی را که به آذربایجان تاخته بودند، دفع کرد؛ اما در سال ۳۳۸ مغلوب رکن الدوله دیلمی شده و در قلعه شمیران زندانی گردید. در سال ۳۴۱ از بند گریخت و دیسم کردی (حاکم سابق آذربایجان) را که در غیبت او بر آذربایجان دست یافته بود مغلوب کرد. مرزبان در سال ۳۴۶ در گذشت. با مرگ او میان برادرش وهسودان، و پسرانش، جستان، ابراهیم و ناصر بر سر جانشینی او اختلاف بروز کرد. وهسودان، جستان و ناصر را با مادرشان بفریفت و در طارم به بند کشید. وی پسرش اسماعیل را به گرفتن آذربایجان فرستاد، اما چون ابراهیم بن مرزبان با سپاهی که در ارمنستان گرد آورده بود به مقابله با اسماعیل شتافت، وی جستان و ناصر را با مادرشان بکشت. ابراهیم پس از پیروزی هایی چند سرانجام در ۳۵۵ از عمویش، وهسودان، شکست خورده و به ری پیش رکن الدوله گریخت.

رکن الدوله وزیرش ابن العمید را به یاری ابراهیم فرستاد. پس از بازگشت ابن العمید از آذربایجان، وهسودان در سال ۳۵۶ بار دیگر به آذربایجان لشکر کشید، ولی سرانجام میان او و برادر زاده اش صلح برقرار شد و ابراهیم بخشی از قلمرو خود را به وهسودان سپرد. پس از وهسودان، قلعه شمیران به دست پسرش، نوح افتاد و چون او در گذشت «فخر الدوله بویه» با بیوه اش ازدواج کرد و از راه خویشاوندی قلعه شمیران را به دست آورد.

پس از مرگ فخرالدوله (۳۸۷) یکی از نوادگان وهسودان به نام ابراهیم بن مرزبان بن اسماعیل بر طارم، زنجان، ابهر و سهرورد دست یافت و مدتی قزوین را نیز در تصرف خود داشت، وی

توانست نیروهای غزنوی را از قزوین بیرون کند و بر مسعود غزنوی فایق آید؛ اما سرانجام مقرر شد تا سالانه خراجی به غزنویان بپردازد. مسافریان طارم تا چندین دهه بعد در سایه سلجوقیان به فرمانروایی در این ناحیه ادامه دادند. اما در آذربایجان پس از مرگ ابراهیم جز بخش کوچکی از آن که در دست مرزبان بن اسماعیل نوه وهسودان بود، بقیه ولایت به تصرف «روادیان» درآمد. اما دیری نگذشت که دولت آل مسافر به کلی در آذربایجان برفتاد. آخرین امیر این دودمان به نام «ابوالهیجاء» پس از کوشش های ناموفقی که برای باز پس گرفتن قلمرو نیاکانش کرد، به دست غلامانش خفه گردید. گفته شده است که مسافریان بر مذهب اسماعیلی بودند. سکه های برجای مانده از آنان اسامی هفت امام شیعه به علاوه اسماعیل فرزند امام صادق (ع) و محمد بن اسماعیل را روی خود دارد. برخی از این سکه ها با تاریخ ۳۴۳ باقی مانده و روی آنها علاوه بر تعبیر «علی خلیفه الله» آیه ولایت یعنی «انما ولیکم الله...» نیز آمده است.